

تکنیکهای تأمین مالی ریسک - خود بیمه‌گری

از: نادر مظلومی

در این جا ذکر این نکته ضروری است که در غالب موارد، اقدامات انجام گرفته مبین نوعی استفاده از روشهای تأمین مالی ریسک است ولیکن نمی‌توان آنها را تحت عنوان خود بیمه‌گری طبقه‌بندی کرد. خود بیمه‌گری اسلوبی است که کاربرد آن مستلزم رعایت نکات تکنیکی خاص است و عملاً "موجب محدودیت حیطة عملکرد آن می‌شود. چنانچه در روش بکاررفته بابت تأمین مالی ریسک، نکات مزبور ملحوظ نشده باشد، اتلاق نام خود بیمه‌گری به آن روش صحیح نخواهد بود.

در مقالاتی که تاکنون در زمینه مدیریت ریسک در فصلنامه به چاپ رسیده است سعی گردیده تا لزوم برنامه‌ریزی بابت ریسکهائی که مؤسسات را تهدید می‌کنند و به تبع آن خرید عقلائی بیمه مورد تأکید قرار بگیرد. در این جا نیز مجدداً "یادآور می‌شویم که هیچ‌یک از شیوه‌های مدیریت ریسک تا آنجائیکه نتوان از ریسک اجتناب نمود، نافی یکدیگر نیستند. صرفه اقتصادی هریک از این تکنیکها زمانی برای مؤسسه متبلور می‌شود که بصورت یک مجموعه همگن و تکمیلی مورد استفاده قرار بگیرند. به بیانی روشنتر، خود بیمه‌گری نیاز به خرید بیمه از سوی مؤسسه را نفی نمی‌کند، بلکه باید باعث شود تا منابع مالی سازمان در جهت خرید عقلائی تر بیمه و در زمینه‌هایی که معمولاً "مؤسسات از خرید بیمه سر باز می‌زنند، سوق داده شود. لذا در این مقاله کوتاه سعی شده است تا ضمن معرفی خود بیمه‌گری بعنوان یک تکنیک، حیطة عملکرد و محدودیت‌های آن به صورت اجمالی بیان گردد.

خود بیمه‌گری چیست

خود بیمه‌گری عبارت از شیوه‌ای است برای پذیرش

مدت زمان زیادی است که "خود بیمه‌گری" در فرهنگ لغات بیمه وارد گشته و امروزه از جمله تکنیک‌های شناخته شده مقابله با ریسک بشمار می‌آید. حداقل در سه دهه اخیر، مؤسسات اقتصادی کشورهای صنعتی از این روش در مقابل ریسکهای گوناگون که در معرض آنها قرار دارند، استفاده فراوان بعمل آورده‌اند. کاربرد روزافزون خود بیمه‌گری مرهون تغییراتی است که در روند عمومی خرید بیمه مؤسسات بوقوع پیوسته است. روندی که مسیر آنرا، ضرورت صرفه‌جویی در هزینه‌ها رقم می‌زند. فعالیت در شرایط اقتصادی جدید، مؤسسات را برآن داشته است که هزینه‌های خود را مورد مذاقه قرار دهند. هزینه خرید بیمه نیز، علیرغم کوچک بودن در مقایسه با کل هزینه‌های یک سازمان بزرگ خارج از دایره صرفه‌جویی‌ها قرار نمی‌گیرد. مدیریت‌ها برای حفظ حاشیه سود مؤسسات، ملزم به بررسی جدی‌تر هزینه‌ها، ولو هزینه‌های کوچک بوده‌اند. طبیعی است که هزینه بیمه نیز زیر چنین ذره‌بینی قرار بگیرد. با افزایش تمایل به کاهش دادن هزینه‌های بیمه، روشهای خرید بیمه از انعطاف بیشتری برخوردار گردیده و علاقه به خود بیمه‌گری نیز با آن همراه شده است.

در بازار بیمه ایران متأسفانه "خود بیمه‌گری" لفظ ناآشنائی است. حداکثر شناخت بیمه‌گذاران نیز از این شیوه از بی‌نیازی به داشتن پوششهای بیمه‌ای مکفی فراتر نمی‌رود و تصور عمومی بغلط خود بیمه‌گری را مترادف با عدم خرید بیمه قرار می‌دهد. اخیراً "بعلت برخی نارسائیهایی موجود در صنعت بیمه کشور، پاره‌ای از مؤسسات ناراضی از خدمات بیمه‌ای ارائه نشده متوسل به اقداماتی شده‌اند و یامی‌شوند که نام خود بیمه‌گری را برآن می‌نهند.

تجاری کمابیش خط مشی بیمه‌گری غیرقابل انعطافی دارند که موجب ایجاد محدودیت برای بیمه‌گذار میشود. فرضاً "برخی از ریسکها را بیمه کرده و برخی دیگر را نمی‌پذیرند. با اتخاذ خودبیمه‌گری، مؤسسه میتواند از قدرت مانور بیشتری در این زمینه‌ها برخوردار گردد.

بهبود شیوه‌های کنترل ریسک مؤسسه، هدف دیگری است که از خودبیمه‌گری تعقیب می‌شود. زیرا در این صورت بعلت عدم وجود منابع مالی خارج از سازمان برای جبران، طبعاً "انگیزه برای کاهش و پیشگیری از خسارات بسیار بیشتر خواهد بود. نهایتاً عدم رضایت از خدمات بیمه‌گران عامل دیگری است که اتخاذ شیوه خودبیمه‌گری را توجیه‌پذیر می‌سازد. این امر بویژه در رابطه با نحوه تصفیه خسارت که توسط شرکتهای بیمه بسیار کند انجام می‌گیرد و نتیجتاً باعث نارضایتی بیمه‌گذاران خودمی‌گردد صادق است. این مسئله می‌تواند ناشی از مشترک نبودن زبان حرفه‌ای بیمه‌گران با بیمه‌گذاران خود باشد. کما اینکه بررسی - های انجام گرفته نشان می‌دهد که در چند مؤسسه، علت اصلی تمایل به خودبیمه‌گری و قطع خرید بیمه از شرکتهای بیمه، نارضایتی از نحوه تصفیه خسارتهای بوده است.

در یک مورد، شرایط برنامه‌ای که برای یک صنف خاص طراحی شده و می‌توانست نام خودبیمه‌گری را بخود بگیرد، بمراتب ضعیفتر و کم‌اثرتر از شرایط بیمه‌نامه‌هایی بود که تا قبل از اتخاذ چنین روشی، از بیمه‌گران خود اکتفا می‌نمودند. با وجود این رضایت بیشتری را از طرح جدید خود ابراز می‌داشتند. زیرا در طی این طرح مشکلات اجرایی و عملی استفاده کنندگان از آن مورد توجه بیشتری قرار گرفته بود. عبارت دیگر برنامه خودبیمه‌گری مزبور، "هم‌زمانی" بیشتر با بیمه‌گذاران خود نشان میداد تا شرکتهای بیمه و این نکته‌ای است درخور تعمق برای شرکتهای بیمه.

پیش شرط‌های خودبیمه‌گری

باتوجه به نکات مذکور در فوق، ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا مؤسسات بیمه‌گذار بجای خرید

خسارتهای احتمالی آتی از منابع مالی متعلق به سازمان بر مبنای برنامه‌های مشخص، همانطوریکه قبلاً "ملاحظه شد، اصولاً" هدف از چنین تدابیری مهیا نمودن وجوه کافی برای بازسازی صدمات احتمالی وارد به مؤسسه با کمترین هزینه ممکن است. تفاوت خودبیمه‌گری از سایر شیوه‌های تأمین مالی در پیچیده‌تر بودن آن است و مؤسسه باید خود در مقام یک بیمه‌گر با رعایت ملاحظات تکنیکی بیمه‌گری، نقش بازی کند.

در طی یک برنامه خودبیمه‌گری، مؤسسه بجای پرداخت حق بیمه‌ها به شرکتهای بیمه، اقدام به ایجاد ذخائر مستمری می‌نماید که با پرداخت‌های معین به صندوق یا حساب خودبیمه‌گری، شکل می‌یابند. پرداخت این مبالغ بر مبنای خسارتهای برآورد شده در طی یک دوره زمانی معین انجام می‌گیرد. در طی سالهائی که خسارت کم رخ میدهد، این صندوق افزایش پیدا کرده و رشد می‌کند و بالعکس سالهائی که با خسارات سنگین همراه است موجب تهی شدن این صندوق می‌گردد. بدیهی است، تجارب خسارتی بد می‌تواند در همان دوره اولیه و قبل از ایجاد ذخائر کافی رخ دهد. وقوع این امر برنامه خودبیمه‌گری را به شکست می‌کشاند. لذا، برای احتراز از چنین موقعیتی عاقلانه‌تر آن است که این برنامه‌ها مرحله به مرحله به‌مورد اجرا گذاشته شوند. بدین منظور در سالیان اولیه، باید نوعی همزیستی مابین بیمه و خودبیمه‌گری بوجود آورد و بتدریج با افزایش ذخائر صندوق خودبیمه‌گری از میزان بیمه خریداری شده کاست. بدین ترتیب از مؤسسه در مقابل خسارتهای سنگینی که امکان وقوع آنها در مراحل اولیه خودبیمه‌گری وجود دارد، محافظت کافی بعمل می‌آید.

اهداف خودبیمه‌گری

اهداف زیادی را میتوان برای استفاده از خودبیمه‌گری برشمرد ولیکن هدف عمده، مسائل مالی و کاهش هزینه‌های مقابله با ریسک است. نتیجه منطقی چنین پیش فرضی آن است که مؤسسه باید بهتر و با کارآیی بیشتری از شرکتهای بیمه، عملیات بیمه‌گری مربوط به خود را انجام دهد. هدف دیگر میتواند ایجاد انعطاف بیشتر در اداره ریسکها باشد. بیمه‌گران

داشت، محاسبه کند.

۲- مدیریت مؤسسه باید به‌کنار گذاشتن وجوهی برای جبران خسارتهای اتفاقی آتی علاقمند باشد. منظور از کنار گذاشتن وجوه به‌هیچ‌وجه، نگاه داشتن یک ذخیره دفتری نیست زیرا افتتاح چنین حسابی و انعکاس آن در ترازنامه، وجوه مورد نیاز را در زمان نیاز، در اختیار قرار نمی‌دهد. لذا چنین وجوهی به‌معنای واقعی باید از جریان دارائی‌های فعال خارج گشته و در حسابهای بانکی مجزا و یا بصورت سرمایه‌گذاریهایی که از قابلیت نقد پنگی بسیار بالایی برخوردارند، نگهداری شوند.

۳- نگهداری سوابق خسارتی مؤسسه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در صورت نداشتن آمار دقیق از گذشته، خسارت منظره‌آتی قابل برآورد و تخمین نخواهد بود. در این جاست که شرط اول اهمیت خود را نشان می‌دهد. زیرا بدون داشتن تعداد کافی از موارد بیمه‌پذیر متجانس امکان گردآوری آمار کافی وجود نخواهد داشت. در عین حال اگر بخواهیم از آمار متعلق به سایر مؤسسات نیز استفاده نمائیم باید کمال دقت را در وجود تشابه مابین عملیات و میزان ارزش دارائی وسایر زمینه‌های آماری بعمل آوریم.

۴- در صورت استفاده از خودبیمه‌گری مؤسسه باید از بنیه مالی خوبی برخوردار باشد. متأسفانه برخی از مدیران به‌غلط فکر می‌کنند که در زمان بحران مالی، خودبیمه‌گری راه خوبی برای صرفه‌جویی در هزینه‌های خرید بیمه است. در حالیکه صرفه‌جویی اقتصادی ناشی از این تکنیک زمانی ملموس خواهد بود، که کلیه شرایط وجود داشته باشند. زمانیکه مؤسسه در تنگنای مالی بسر میبرد. بسیار بعید بنظر میرسد که قادر به‌کنار گذاشتن وجوه کافی بابت برنامه خودبیمه‌گری باشد. اگر مؤسسه‌ای قادر به پرداخت حق بیمه‌های خود نیست. قادر به تأمین مالی برنامه خودبیمه‌گری نیز نخواهد بود.

۵- به‌اجرا گذاشتن طرح خودبیمه‌گری مستلزم برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیقی است. اموری از قبیل سرمایه‌گذاری وجوه صندوق خودبیمه‌گری، جبران خسارتهای، بازرسی موارد بیمه شده، پیشگیری از خسارات، نگهداری سوابق، انجام محاسبات آماری

پوشش‌های مورد نیاز از شرکت‌های بیمه از روش خود بیمه‌گری استفاده نکنند و در این صورت اصولاً چه نیازی به مؤسسات بیمه خواهد بود؟ قبل از توضیحات بیشتر، لحظه‌ای مکث نموده و اضافه می‌کنیم که خود بیمه‌گری آن ماده معجزه‌آسایی که مس بیمه‌گذاران را تبدیل به طلالا بکند نیست. یک مؤسسه اقتصادی (اعم از تولیدی، تجاری و غیره) در مقام یک خود بیمه‌گر دقیقاً "باید پیرو و تابع همان ملاحظات تکنیکی باشد که شرکت‌های بیمه ملزم به رعایت آنها می‌باشند. و این امکانی نیست که در اختیار همگان قرار داشته باشد.

قبل از هرگونه تصمیم‌گیری در رابطه با خود بیمه‌گری، عوامل چندی باید دقیقاً مورد توجه و بررسی قرار بگیرد. در غیر این صورت شیوه اتخاذ شده اولاً "خودبیمه‌گری نخواهد بود ثانیاً "می‌تواند به یک ضد هدف تبدیل شده و تا حد فروپاشی مالی سازمان، پی‌آمدهای ناگوار خود را نشان دهد. معمولاً "از این تکنیک تاجائی که خسارت در حکم ضربه‌ای بر ساختار مالی مؤسسه نیست استفاده نمی‌شود.

بعبارت دیگر، خودبیمه‌گری شیوه‌ای است در مقابل خسارتهایی که در صورت وقوع، مؤسسه را با مشکلات مالی مواجه می‌سازند. بدین لحاظ تعمق در پیش شرط‌ها قبل از استفاده از این تکنیک را مورد تأکید قرار می‌دهیم. شرایطی که خودبیمه‌گری را در یک سازمان امکان‌پذیر می‌سازند در زیر توضیح داده می‌شود:

۱- مؤسسه باید اولاً "به تعداد کافی از موارد بیمه‌پذیر در اختیار داشته و نحوه استقرار آنها باید به‌صورتی باشد که تلف همزمان کلیه آنها امکان‌پذیر نباشد و از نقطه نظر جغرافیایی پراکندگی کافی باشد. این موارد مشاهده شود. ثانیاً " موارد بیمه‌پذیر باید از لحاظ ماهوی و ارزش به میزان کافی مشابه یکدیگر و متجانس باشند، بنحویکه بتوان خسارات محتمل را بایک دقت نسبی و خطای آماری معقول محاسبه کرد. بعبارت دیگر متوسط خسارات آتی باید قابل محاسبه باشد.

در صورت وجود چنین شرایطی مؤسسه قادر خواهد بود که بایک دقت نسبی میزان پولی را که در آینده برای جبران خسارتهای، بدان نیاز خواهد

به‌عنوان مثال ممکن است موارد بیمه‌پذیر مشابه معدودی در اختیار داشته باشند و این تعداد برای محاسبه خسارت احتمالی آتی با دقت مورد نظر، کافی نباشد. یا آنکه اصولاً "منابع مالی کافی برای ایجاد صندوق خودبیمه‌گری در دسترس مؤسسه نباشد. مثال دیگر عدم تمایل مدیریت به ارائه پرسنل کافی برای سازماندهی چنین برنامه‌هایی است. کارآیی مؤسسات در اداره برنامه خودبیمه‌گری در غالب موارد کمتر از شرکت‌های بیمه است. این امر بویژه در مورد مؤسسات کوچک صادق است که بعلت کوچکی قادر به سرشکن کردن هزینه‌ها مابین تعداد زیادی از پایگاه‌های عملیاتی متعلق به خود نمی‌باشند.

نکته دیگر بازدهی سرمایه‌های مؤسسه است علی‌رغم درآمدی که از سرمایه‌گذاری صندوق خودبیمه‌گری عاید می‌شود، اگر این بازدهی کم باشد، مساله هزینه فرصت‌های از دست رفته مطرح خواهد شد و چه‌بسا درآمدهای فوق نتواند هزینه اجرای چنین طرحی را نیز توصیه کند.

در خاتمه این بحث مقدماتی که فقط سعی در معرفی و بیان مزایا و معایب تکنیکی به‌نام خودبیمه‌گری داشت، تاکید بر یک نکته ضروری است. خودبیمه‌گری در غالب موارد توان پاسخگویی به خسارات فاجعه‌آمیز و کلان را ندارد. قدر مطلق برای نشان دادن خسارت کم و زیاد وجود ندارد و این مفاهیم در سایه امکانات مالی مؤسسه معنا و مفهوم خود را می‌یابند. لذا با در اختیار داشتن شناخت و تحلیل صحیح از امکانات مالی مؤسسه است که می‌توان به‌چنین اقداماتی دست یازید و محدوده استفاده از آنها را تعیین کرد. با در نظر گرفتن کلیه محدودیت‌های فوق‌الذکر، مطلوبترین استفاده از خودبیمه‌گری زمانی بعمل می‌آید که در ترکیبی مناسب با پوشش‌های بیمه‌ای بکار گرفته شده باشد.

لازم و غیرو از جمله اقداماتی است که توسط خود مؤسسه باید به‌اجرا گذاشته شود. در صورت عدم بهره‌گیری از دانش افراد کارشناس با تجربه و عدم توجه و حمایت مدیریت از جزئیات اجرایی برنامه طراحی شده، خودبیمه‌گری راه‌حل مناسبی نخواهد بود.

عوامل بازدارنده

ملاحظه می‌شود که تصمیم به خودبیمه‌گری در چهارچوب محدودیت‌های فوق باید اتخاذ گردد. بدیهی است که اتخاذ چنین تصمیمی چندان ساده نمی‌تواند باشد، بویژه آنکه عوامل دیگری نیز می‌توانند در این امر نقش بازدارنده‌ای داشته باشند. علی‌رغم مزایای مترتب بر خودبیمه‌گری، مؤسسات بسیاری به دلایل مختلف، استفاده از خدمات شرکت‌های بیمه را ترجیح می‌دهند. اینک به‌شماره‌ای از این دلایل می‌پردازیم. از جمله مزایایی که در بیمه وجود داشته و خودبیمه‌گری از آن محروم است، ثبات هزینه‌های مربوط به بیمه است. بعبارت دیگر از نقطه نظر یک مؤسسه هزینه بیمه که همان حق بیمه‌های پرداختی است، در طی دوره‌های مالی متوالی دارای ثبات بوده و در نتیجه به‌عنوان یک هزینه بطور کامل قابل پیش‌بینی هستند. در عین حال حق بیمه‌ها، به‌عنوان یک هزینه مورد قبول، درآمدهای مشمول مالیات را کاهش می‌دهند و این امکان را در اختیار مدیریت قرار می‌دهند که منافع مؤسسه را تثبیت کنند. در صورتی که در خودبیمه‌گری منافع بانوسان مواجه بوده و در سال مالی که خسارت رخ می‌دهد منافع می‌تواند بشدت کاهش پیدا کند.

علاوه بر نکته مالی فوق که از خط مشی مدیریت نشأت می‌گیرد، بسیاری از مؤسسات شرایط لازم را برای پیاده‌کردن طرح خودبیمه‌گری احراز نمی‌کنند.

پاورقی

1- Self Insurance

۲- مراجعه کنید به فصلنامه بیمه مرکزی ایران شماره ۴ سال دوم و شماره اول سوم.